نقش تقی زاده در تبدیل گاه شماری ایران از قمری به شمسی

مجد، ناصر

تبدیل گاه‏شماری رسمی ایران از هجری قمری به‏ هجری شمسی،که از فروردین 1304 شمسی به موجب قانون به اجرا درآمده،به ابتکار و پایمردی سید حسن تقی‏زاده تحقق یافته است. برای روشن شدن موضوع،توضیح کوتاهی درباره‏ی سوابق امر،لازم‏ به نظر می‏رسد:

پس از اسلام،با آن‏که گاه‏شماری اسلامی هجری قمری‏ به صورت گاه‏شماری رسمی ایران در آمد،گاه‏شماری ایرانی‏ (یزگردی و سپس جلایی)هم‏چنان برای امور عرفی در رواج ماند. چون گاه‏شماری قمری-به علّت سیّار بودن ماه‏های قمرین نسبت به‏ فصل‏های سال-برای وصول خراج مناسب نبود،حتا خلفای اسلامی‏ به ناگزیر برای این منظور گاه‏شماری شمسی ایرانی را به کار می‏بردند.

در گاه‏شماری یزگردی-که تاکنون نیز نزد زرتشتیان رایج‏ است-نام ماه‏ها همان نام‏های ایرانی(فروردین،اردیبهشت،...) است.در گاه‏شماری جلالی نیز،نام ماه‏ها به همین صورت محفوظ ماند.خیّام که خود از پایه‏گذاران گاه‏شماری جلالی بوده است،در یک رباعی چنین می‏گوید:

«هنگام صبوح ای صنم فرخ پی/ برساز ترانه‏یی و پیش آور می/ کافکند به خاک صد هزاران جم و کی/ این‏ آمدن تیر مه و رفتن دی»

.سعدی نیز که دو قرن پس از تأسیس‏ گاه‏شماری جلالی می‏زیسته،در اشعار خود بارها نام ایرانی ماه‏ها را به کار برده و بویژه با این بیت در دیباچه‏ی گلستان،نه تنها دومین‏ ماه ایرانی را«اردیبهشت»نامیده،بلکه انتساب آن را به گاه‏شماری‏ جلالی تصریح کرده است:«اول اردیبهشت‏ماه جلالی/بلبل‏ گوینده بر منابر قضبان».

به درستی روشن نیست که از چه زمانی ماه‏شماری برجی(حمل، ثور و...)به گاه‏شماری ایرانی شد،امّا اثری که این گاه‏شماری به جای‏ گذاشت،سال‏شماری دوازده حیوانی بود که به موجب آن هر سال‏ به نام یک حیوان مشخص می‏شد،مثلا«سنه‏ی 1383 شمسی پیچی‏ ییل»(یعنی سال«بوزینه»)

در دوران قاجار،پس از تأسیس سازمان‏های نوین اداری،بویژه‏ پس از سپرده شدن امور گمرک به دست مستشاران بلژیکی،برای‏ محاسبات اداری و پرداخت حقوق کارکنان دولت،ماه‏شماری برجی‏ به کار گرفته شد.اصطلاح«اول برج»و«آخر برج»نیز که هنوز ورد زبان کارمندان دولت است،ظاهرا از همان زمان باب شده است.

در 21 صفر 1329 هجری قمری‏[یکم اسفند 1289 شمسی)، «قانون محاسبات عمومی»به تصویب جلس شورای ملی رسید. ماده‏ی 3 این قانون چنین مقرر می‏دارد:«مقیاس زمان بعد از این در محاسبات دولتی،سال‏های شمسی و ماه‏های شمسی(بروج)خواهد بود.»

هرچند که می‏توان گفت تصویب این قانون،نخستین گام برای‏ رسمیت دادن گاه‏شماری ایرانی به جای گاه‏شماری قمری بوده است، امّا همین قانون نیز-مانند فرمان مشروطیت،قانون اساسی و متمم‏ قانون اساسی و همه‏ی قوانینی که تا پایان سال 1303 شمسی به‏ تصویب مجلس شورای ملی رسیده-به تاریخ هجری قمری‏ تاریخ گذاری شده است.بنابراین باید پذیرفت که رسمیّت یافتن‏ گاه‏شماری ایرانی به جای گاه‏شماری هجری قمری،با قانون«مصوّب‏ شب 11 فروردین 1304 شمسی»تحقق یافته است.

تقی‏زاده که صاحب تألیفات ارزنده‏یی در زمینه‏ی گاه‏شماری‏ست، از همان هنگام که در برلن روزنامه‏ی کاوه را انتشار می‏داده، دغدغه‏ی خاطر خود را درباره‏ی سه موضوع عنوان کرده است:

1-لزوم تبدیل ماه‏شماری برجی به ماه‏شماری ایرانی: «[...]جای نهایت افسوس است که امروز در ایران با آن‏که در امورات رسمی و دولتی و تجارتی(یعنی امور غیرمذهبی)محتاج به‏ یک حساب سال شمسی هستند،ترتیب ماه‏های ملی ایرانی را استعمال نکرده و تابع ترتیب بروج آسمانی حمل و ثور که بلژیکی‏ها آن را به واسطه‏ی جهالت‏شان به عادات و آداب ملی و تاریخی ایران‏ در دوایر دولتی معمول کردند،می‏شوند[...]».(شماره‏های 5 و 6،سال‏ اول،18 آوریل 1916[فروردین 1295]،ص 3)

2-لزوم منسوخ شدن سال‏شماری دوازده حیوانی:«[...] یکی از صدها علایم این فقره،ولی در واقع یکی از عجیب‏ترین انها، اتخاذ تقویم یا ترتیب سال‏شماری مغولی‏ست در ایران که نه تنها در تقویم‏های قدیمی برای استنباط احکام هر سال از«خوی یک‏ جانور»ثبت می‏شود،بلکه دولت ایران و ادارات رسمی(جانشینان‏ کیان)،تمام حساب و تاریخ خود را با آن ترتیب«خطا و اویغور» مجری می‏دارند و نوشته‏جات رسمی پر است از سال خوک و سگ و مار و بوزینه.چون این تاریخ خطا و اویغور و حساب غریب و اسامی‏ عجیب آن را در سال‏شماری با ترتیب عجیب دیگر ماه‏شماری برجی‏ که بدبختانه اخیرا در ایران رایج شده به هم ترکیب کنید،یک‏ معجون بی‏مزه‏ی عجیب و مخالف ذوق و مضحکی حاصل می‏شود. [...]».(شماره‏ی 7،سال دوم،دوره‏ی جدید،7 ژوئیه 1921[16 تیر 1300]، ص 3)

3-لزوم تبدیل گاه‏شماری رسمی کشور از هجری قمری‏ به هجری شمسی:«یک پیشنهاد بی‏غرضانه:[...]در این زمان که‏ ایران پادشاه جوان و صدر اعظم‏های جوان دارد که دل‏شان طبعا باید با شور نام‏جویی و سرفرازی و امید و آینده و هوس تحصیل افتخار پر باشد،نومید نیستم که تاریخ و تقویم جدید شمسی قبول و دایر شده‏ و«بماند سال‏ها این نظم و ترتیب».این را هم باید عرض کنم که‏ این فقره یک خدمتی‏ست به دین اسلام،زیرا که لا بد و بلاشک‏ حساب سال قمری عربی‏[...]از میان خواهد رفت،یعنی از استعمال‏ در امور عرفی برافتاده و مخصوص امور مذهبی خواهد شد و اگر ما پیش از وقت یک ترتیب سال شمسی ناسب ذوق ملی ایران نگیریم‏ که مبدأ آن از هجرت نبوی حساب شود،ممکن است ترتیب تاریخ‏ میلادی و تقویم فرنگی رایج شود و یک رکنی از یادگارهای اسلامی‏ از میان برود.اینک پیشنهاد:نوروز چنان‏که فعلا مرسوم است در اول‏ حمل و مبدأ سال عرفی قرار داده شود و تاریخ هجری شمسی(که‏ امسال سنه 1300 از آن تاریخ است)،به موجب قانون در تمام‏ مملکت به جای هجری قمری معمول دارند.علاوه بر این‏ها،اسامی‏ ماه‏های ایرانی،یعنی فروردین،اردیبهشت تا اسفند ارمذ را به جای‏ عقرب و خرچنگ آسمانی‏[...]استعمال کنند[...]».(شماره‏ی 4،سال‏ دوم،دوره‏ی جدید،دهم آوریل 1921[21 فروردین 1300]،ص 9)

تقی‏زاده پس از تعطیل روزنامه‏ی کاوه و بازگشت به ایران،در سال 1303 شمسی به نمایندگی از مردم تبریز وارد مجلس شورای‏ ملی می‏شود.در این جاست که در«کمیسیون معارف»نظرات خود درباره‏ی تبدیل گاه‏شماری را دنبال می‏کند و کار را به تصویب قانون‏ مربوط به رسمیت گاه‏شماری هجری شمسی می‏رساند.

این قانون که در«شب 11 فروردین 1304 شمسی»به تصویب‏ مجلس شورای ملی رسیده(و نخستین قانونی‏ست که در تاریخ‏ قانون‏گزاری ایران به تاریخ شمسی تاریخ گذاری شده است)،عینا همان نکات سه‏گانه‏ی موردنظر تقی‏زاده را-که چند سال پیش از آن در روزنامه‏ی کاوه مطرح کرده بود-در بر دارد.این همانندی‏ چنان است که اگر گفته شود طرح نخستین این قانون،انشای‏ تقی‏زاده بوده است،سخنی به گزاف نخواهد بود.

قانون تبدیل بروج به ماه‏های فارسی از نوروز 1304 شمسی

ماده‏ی اول-مجلس شورای ملی تصویب می‏نماید که از نوروز 1304،تاریخ رسمی سالیانه‏ی مملکت به ترتیب ذیل معمول گردد و دولت مکلف است که در تمام دوایر دولتی اجرا نماید:

الف-مبدأ تاریخ:سال هجرت حضرت خاتم النبیین محمد بن‏ عبد اللّه(صلوات اللّه علیه)از مکه‏ی معظمه به مدینه‏ی طیّبه.

ب-آغاز سال:روز اول بهار.

ج-سال:کماکان شمسی حقیقی.

د-اسامی و عده‏ی ایام ماه‏ها:

1-فروردین 31 روز؛2-اردیبهشت 31 روز؛3-خرداد 31 روز؛ 4-تیر 31 روز؛5-مرداد 31 روز؛6-شهریور 31 روز؛7-مهر 30 روز؛8-آبان 30 روز؛9-آذر 30 روز؛10-دی 30 روز؛11-بهمن‏ 30 روز؛12-اسفند 29 روز.

تبصره-در سنین کبیسه،اسفند 30 روز خواهد بود.

ماده‏ی دوم-ترتیب سال‏شماری ختا و اویغور که در تقویم‏های‏ سابق معمول بوده،از تاریخ تصویب این قانون منسوخ خواهد بود.

این قانون که مشتمل بر دو ماده است،در جلسه‏ی شب یازدهم‏ فروردین یک هزار و سیصد و چهار شمسی به تصویب مجلس شورای‏ ملی رسید.رییس مجلس شورای ملی-مؤتمن الملک

رسمیت دادن گاه‏شماری شمسی ایرانی به جای گاه‏شماری‏ اسلامی هجری قمری،آن هم پس از سیزده قرن،کار چندان آسانی‏ نمی‏توانست بوده باشد.امّا طرح این قانون چنان هوشمندانه تهیه‏ شده بوده که هیچ صدای مخالفی برنخاست.حتا در مجلس شورای‏ ملی که چند تن روحانی نیز حضور داشتند،هیچ‏کس به تبدیل‏ گاه‏شماری از هجری قمری به هجری شمسی اعتراض نکرد.

در جلسه‏ی علنی مجلس که پیش‏نویس این قانون برای تصویب‏ مطرح شد،و مدافع اصلی آن تقی‏زاده بود،دو سه تن از نمایندگان‏ بی‏آن‏که به اصل تبدیل گاه‏شماری معترض باشند،پیشنهادهایی‏ برای حفظ ماه‏شماری برجی یا تعداد ایام ماه‏ها ارائه دادند که مورد توجه قرار نگرفت و به تصویب نرسید.(روزنامه‏ی رسمی کشور،صورت‏ مذاکرات مجلس،دوره‏ی پنجم،صص 1056-1061)

در پایان یادآوری این نکته را لازم می‏دانم که واژگان‏ «گاهنامه»و«گاه‏شماری»نخستین‏بار توسط تقی‏زاده به کار رفته،و این نیز یادگار ارزنده‏ی دیگری‏ست که از آن شادروان به جای مانده‏ است.